

اجرای طرح وام ۲۵۰ میلیون ریالی خودرو و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه بعد از اجرای طرح

نوع مقاله: پژوهشی

رضا اسماعیل^۱

سasan ودیعه^۲

خلیل میرزایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش طرح‌های تحرک اقتصادی دولت بر شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه (طرح حمایتی وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) انجام گردیده است. روش پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها پژوهشی توصیفی قلمداد می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان بالای ۲۰ سال استان مازندران هستند که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر انتخاب و بر اساس نمونه گیری تصادفی خوشهای به پرسشنامه پژوهشگر ساخته پاسخ دادند. داده‌های خام به دست آمده از پرسشنامه‌ها با نرم افزار SPSS23 و آزمون آماری کیمز- میر- اوکلین و فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که آسیب‌های اقتصادی طرح بیشتر از تغییرات اقتصادی مقطعي بود، طرح فوق بیشتر از آنکه به رفاه جامعه منجر شود باعث بی اعتمادی و نفاق در جامعه گردیده است و در نهایت مشخص گردید که دلالان، خودروسازها، دولت و بانک‌ها بیشترین منفعت را از طرح برده‌اند و مردم و وام‌گیرندگان اصلی متضرران طرح فوق بوده‌اند.

کلمات کلیدی: وام خرید خودرو، شرایط اقتصادی، شرایط اجتماعی

طبقه بندی JEL: Z13

^۱ گروه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
r.esmaeel@cbi.ir

^۲ گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Sas.Vadiea@iaactb.ac.ir

^۳ گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران
Mirzaeei_khalil@riau.ac.ir

مقدمه و بیان مساله

بزرگترین هزینه کننده، بزرگترین وام دهنده، بزرگترین وام گیرنده، بزرگترین کارفرما، بزرگترین مالک، بزرگترین اجاره کننده، بزرگترین بیمه گر و ... در اقتصادهای پیشرفته امروزی، دولت است (چاوز^۱، ۲۰۱۹، آنلاین).

از دیدگاه نهادگرایی، دولت را نباید به مثابه یک کل منسجم و یکپارچه در نظر گرفت، بلکه دولت عبارت از مجموعه‌ای از نهادها به همراه طیف متنوعی از افراد است که در درون آن به حداکثرسازی مطلوبیت خود مشغولند (تسليیمی، ۱۳۹۴: آنلاین). بر اساس این دیدگاه، اقتصاد کشور سال‌هاست که درگیر مسائل نهادی است. ساختار نهادی کشور به گونه‌ای شکل گرفته است، که نیازمند بازنگری است و اولین قدم در این زمینه را باید دولت به عنوان بزرگترین و اثرگذارترین نهاد بردارد. نشانه‌های این جریان در بخش‌های مختلف جامعه‌ی ما وجود دارد، به گونه‌ای که تمام منابع در جامعه به دلیل به صرفه‌تر بودن، به سوی فعالیت‌های غیر مولد هدایت شده و به جای اثربخشی در فعالیت‌های مولد که لازمه‌ی حرکت به سمت توسعه و رشد اقتصادی است را به انحراف کشیده است.

برنامه‌ها و طرح‌های رفاهی که توسط دولتها به اجرا گذاشته می‌شوند، مصدق تکیه بر نقش ساختاری دولت در ایجاد رفاه می‌باشد که امروزه در تمام ملل دنیا از منظر اقتصادی و اجتماعی از اهمیت روز افزونی برخوردار بوده و به یک رکن اساسی در اقتصاد بازار تبدیل شده است. در واقع این طرح‌های رفاهی به عنوان تثبیت کننده رفاه اجتماعی و در عین حال، تنظیم کننده عدالت اجتماعی و برابری عمل می‌کنند. با توجه به گستردگی، پیچیدگی و اثرات جدی و سرنوشت سازی که هر یک از این طرح‌ها و برنامه‌های رفاهی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم دارند، موفقیت یا عدم موفقیت آنها در دستیابی به اهداف بطنی و پیش بینی شده خود می‌تواند عامل تعیین کننده‌ای در بهبود و یا عدم بهبود وضعیت رفاهی و عدالت اجتماعی در کشور برای اکثریت شهروندان شود. در واقع، گزینش صحیح می‌تواند منابع برقراری عدالت اجتماعی را به جلو براند و در عوض اعمال سیاست‌های نادرست، نه تنها نیروها و منابع کشور را تحلیل می‌برد، بلکه ممکن است زمینه نابرابری‌ها و نارضایتی‌های بیشتری را فراهم آورند. بنابراین تناسب برنامه با شرایط اقتصادی و الوبیت‌های یک جامعه، رکنی اساسی در گزینش صحیح سیاست‌های اجتماعی است که خود این امر مستلزم شناخت شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور است، چرا که در غیر این صورت، اعمال سیاستی نادرست و یا عدم توجه به اولویت‌ها به دلیل عدم شناخت شرایط و ملزمومات یک جامعه، ضمن اتلاف وقت، هزینه و انرژی بسیار، و تحت الشعاع قرار دادن همه جانبه زندگی

^۱ Chavez, S.

گروه عظیمی از جمعیت کشور، می‌تواند پیامدهای مخرب بعدی را موجب شود. این امر در شرایطی است که، تفحص بر سر تشخیص تناسب برنامه‌های رفاهی با شرایط جامعه جهت اعمال سیاستی مناسب به امری ضروری بدل شده است (وصالی و سلطانیان، ۱۳۹۰: ۴). در کشور ایران نمی‌توان به یقین مشخص کرد که چه خط مشی اقتصادی در پیش گرفته شده است و این مشخص است که مضرات نداشتن برنامه و اتخاذ یک تصمیم مشخص از مشکلات دامنگیر کشور است. نگاهی گذرا به توزیع صنایع جهان، بی‌درنگ شکاف بین جهان توسعه یافته و جهان سوم را آشکار می‌سازد.

نخستین علت افزایش مخارج عمومی به صورت مستمر و افزایش انتظارات اجتماعی برای این افزایش را می‌توان تغییر ساختار و تجدید بنای جامعه نوین دانست. رشد درآمد سرانه در هر اقتصادی قابلیت و دامنه انتخاب اجتماعی خانوارها را افزایش خواهد داد (بنوس، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، دولتهایی که درآمد حاصل از فروش نفت را مستقیماً وارد بودجه سالیانه خود می‌کنند انگیزه بیشتری برای افزایش سهم خود در اقتصاد و گسترش دخالت در امور اقتصادی جامعه دارند. این مکانیزم از یکسو هزینه‌های دولت را به قیمت جاری افزایش خواهد داد و از سوی دیگر ارزش واقعی خدمات دولت را کاهش می‌دهد؛ لذا دولت برای تقویت نقش واقعی خود همواره باید بیش از ارقام نرخ رشد پولی و نرخ تورم، هزینه‌های خود و در نتیجه سهم خود را در اقتصاد گسترش دهد (مردوخی، ۱۳۸۸). در ایران نیز با توجه به ورود درآمد سرانه نفت به بازار، دولت تمایل دارد تا در اقتصاد و بازار دخالت نماید و این امر موجب بر هم خوردن تعادل بازار می‌شود.

در سال ۹۴ دولت با کمپین‌های نخریدن خودرو داخلی رو برو گردید و جامعه به شدت از این کمپین‌ها استقبال کرد و صنعت خودرو با رکود مواجه شد، دولت برای خروج از رکود اعلام نمود در کنار یارانه و وام مستقیمی که به دو خودروساز کشور پرداخت می‌نماید، تسهیلات ۲۵ میلیونی نیز برای خرید خودرو از سوی مردم در نظر گرفته است و تا پایان اردیبهشت ۹۵ اقدام به پرداخت آن می‌کند. این تصمیم همواره نگرانی و هشدارهای کارشناسان اقتصادی را در بر داشته است. یکی از تأثیرات منفی پرداخت این تسهیلات این است که متضایان نیازمند ناگریر به خرید خودرو می‌شوند و در نهایت آن را به قیمتی نازل در بازار می‌فروشند و کشور بدل به سرای خودروهای صفر کیلومتر غیرقابل استفاده می‌شود و این مسئله باعث از بین رفتن سرمایه ملی می‌گردد. همچنین، با افزایش نقدینگی تورم نیز متأثر می‌شود. علاوه بر این، حمایت نقدی دولت از خودروسازان بیشتر از نهیب، باعث تشویق آن‌ها می‌شود. پس از اینکه خودروسازان بیش از ظرفیت تعیین شده (موجودی انبارهایشان) ثبت نام انجام دادند، نامه‌ای از طرف بانک مرکزی به وزارت صنعت ابلاغ شد که طی

^۱ Benos, N

آن بانک مرکزی ادعا کرد هیچ تعهدی نسبت به ثبت نام‌های اضافه نخواهد داشت. در پی این نامه و نگرانی ثبت نام‌کنندگان از آینده طرح، برخی از مشتریان اقدام به انصراف از ثبت نام کردند. با توجه به مطالب بیان شده، سوال اصلی این تحقیق بدین شرح است که طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵ میلیون تومانی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴ که بر خاسته از فشار مردم برای نخریدن خودروهای داخلی و دیگر شرایط اجتماعی بوده است) چه تاثیری بر روی شرایط اجتماعی جامعه گذاشته است؟ به عبارتی محقق به دنبال پیش‌بینی رفتار اجتماعی از طریق بررسی تاثیر پدیده‌های کلان اقتصادی و ... می‌باشد، تا شیوه‌های کمینه کردن خطای تدوین برنامه‌های دولتی و همچنین برآورد دقیقتراز واکنش‌های جامعه را ارزیابی و تحلیل نماید.

تأمین رفاه اجتماعی یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران در جوامع مختلف است که این مهم در استناد بالادستی نظام و جهت گیری‌های کلان و راهبردی ایران نیز همواره مورد تأکید بوده است. سیاست‌های مالی از جمله سیاست‌های رایجی است که توسط دولتها با مقاصد مختلف در اقتصاد ایران به کار گرفته می‌شود که در این بین، ارزیابی اثرات این نوع سیاست‌ها بر جامعه می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. بررسی آثار سیاست‌های مالی دولت بر روی جامعه، به ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای که بخش عمده درآمدهای دولت از محل صدور منابع طبیعی (به طور ویژه نفت) تأمین می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت بالای این تحقیق آنچه مشخص می‌شود که سیاست مالی دولت در شرایطی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در پس آن، نارضایتی اقتصادی از سوی جامعه و تحت فشار قرار دادن چند شرکت دولتی توسط مردم قرار دارد. در این تحقیق طرح تحرک اقتصادی دولت در سال ۱۳۹۴ (وام خرید خودرو) مورد بررسی قرار خواهد گرفت که به دنبال ایجاد کمپین‌های موثر عدم خرید محصول داخلی اتخاذ شده و به نظر می‌رسد اثرات اجتماعی زیادی را بر روی اقتصاد و جامعه گذارد است و همچنین، در پی این هستیم که این اثرات بر روی شرایط اجتماعی چه بوده است و آیا آینده نگری (پیش‌بینی) درستی از بازخوردهای جامعه صورت گرفته است؟

مبانی نظری پژوهش

از آنجا که این پژوهش در راستای بررسی بازخوردهای اجتماعی و اقتصادی طرح‌های تحرک اقتصادی ارائه شده توسط دولت است، و این طرح‌ها به نوعی مداخله دولت در اقتصاد است از تلفیق نظریه‌های نقش و جایگاه دولت در امور اقتصادی و رفاهی جامعه همچون نظریه‌های آدام اسمیت، نظام و رویکرد سوسیالیستی کارل مارکس و جان مینارد کینز و نظریه‌ی دولت رفاه فیتزپتریک

آدام اسمیت زمینه‌های لازم برای مداخله دولت را به عنوان حاکمیت در قالب یه وظیفه عمدۀ مشخص نموده است (اسمیت، ۱۳۵۷: ۲۱۳). نخستین وظیفه دولت حفظ و حراست جامعه از قهر و حمله جوامع دیگر است که فقط توسط نیروی انتظامی ممکن می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴). وظیفه دوم دولت حمایت از هر عضو اجتماع در برابر ظلم و زورگویی عضو دیگر آن، یعنی استقرار یک عدیله دقیق است. یعنی، "... هر جا که مالکیت بزرگ وجود داشته باشد. نابرابری عظیمی مشاهده می‌شود. بنابراین تحصیل ملک وسیع و با ارزش الزاما سبب ایجاد دولت می‌شود جایی که مالکیت خصوصی یا دست کم مالی که بیش از دو سه روز کار ارزش داشته باشد نیست وجود دولت لزوم چندانی ندارد" (اسمیت، ۱۳۵۷: ۱۳۵). آدام اسمیت برای دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی حوزه عمل وسیعی قایل نبوده و معتقد است که رفاه اجتماعی بهینه را می‌توان از طریق بازارهای رقابتی که در آن‌ها نفع شخصی انگیزه عاملان اقتصادی است به حداقل رساند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴). بنابر نظریه‌ی آدام اسمیت مداخله‌ی دولت در اقتصاد و بازار می‌تواند نظم جامعه را بر هم زند و برای دستیابی جامعه به رفاه اجتماعی نیازی به دخالت دولت نیست. بر اساس یافته‌های کیفی و نظرات نخبه‌گان اقتصادی اجتماعی نیز این امر مشخص گردید که دخالت دولت بیشتر از آنکه به رفاه اجتماعی بیانجامد برهم زننده بازار بوده است. از این رو این نظریه با نتایج بخش کیفی پژوهش مطابقت دارد.

افراتی ترین دیدگاه در زمینه دخالت دولت در اقتصاد را در چارچوب نظام سوسیالیستی کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) مطرح کرده است. مارکس، هدف بررسی‌های خود را اثبات قانونمندی‌هایی می‌دانست که بر جریان اقتصاد در نظام‌های گوناگون در طول تاریخ بشر حاکم بوده است و عمدۀ سعی خود را در کشف قانونمندی‌های نظام سرمایه داری و چگونگی تغییر و تحول ان به نظام سوسیالیستی به کار گرفت. نظریات مارکس از سه بخش تشکیل می‌شوند که عبارتند از (دادیدار، ۱۳۵۸؛ ۲۹۸؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳: ۵).

در نظام اقتصادی مرکزی دولتی مبتنی بر نظریات سوسیالیسم یک قدرت مرکزی وظیفه تنظیم برنامه دادن، رهنمون و فرمان برای اجرای برنامه را با توجه به اهداف و اولویت‌های در نظر گرفته شد بر عهده دارد. اهداف برنامه مانند رشد سالانه تولید ملی، سهم کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای به وسیله سازمان برنامه‌ریزی مرکزی تعیین شده و سپس مناسب با منافع موجود در هر منطقه و در هر واحد تولیدی، نسبت آن‌ها معین می‌گردد. در این نظام مکانیزم قیمت در تعیین مقدار، چگونگی، زمان، مکان و هدف تولید هیچ نقشی ندارد و همه این مسائل را سازمان برنامه‌ریزی مرکزی دولتی با هدف تامین کالا و خدمات اجتماعی مشخص می‌کند (قره باگیان، ۱۳۷۲، ۹۱۳-۹۱۱؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳: ۵).

رویکرد سوسیالیستی بیان می‌کند که دولت در اقتصاد نقش اساسی دارد. مدیریت دولتی اقتصاد، برنامه ریزی گسترده و محدودیت یا حذف مالکیت خصوصی از معیارهای مهم سوسیالیست است. دولت سوسیالیستی برنامه‌ریز متمرک، بیشترین وظایف دولت را در صحنه‌ی اقتصاد دارا است. نظریه‌پرداز دیگر در رویکرد سوسیالیستی جان مینارد کینز است. به اعتقاد او با دخالت دولت در ساز و کارهای اقتصادی و تنظیم و هدایت مکانیزم بازار می‌توان این نارسایی‌ها را بر طرف ساخت و نظام اقتصادی را به سوی وضعیت بهتری از لحاظ تخصیص منابع و ایجاد اشتغال کامل سوق داد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۶).

او معتقد است که نظام سرمایه داری آزاد، دو نقص عمدی و ساختاری دارد. که بدون دخالت دولت نمی‌توان آن‌ها را بر طرف ساخت. این دو نقص، اشتغال کامل عوامل تولید و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت است.

نخست اینکه اگر نظام بازار آزاد به حال خود گذاشته شود همیشه در وضعیت تعادل ناقص به سر می‌برد و هیچ مکانیزم درونی آن را به سوی تعادل اشتغال کامل سوق نمی‌دهد از این رو دخالت دولت برای برطرف کردن بیکاری ناخواسته عوامل تولید ضرورت دارد. دوم این که بیکاری بر خلاف تصور اقتصاددانان ارتدکس به دستمزدهای انعطاف پذیر ربطی نداشته و سیاست ایجاد دستمزدهای انعطاف پذیر به جای بر طرف کردن مشکل، احتمالاً باعث تشدید آن می‌شود. از نظر کینز کاهش دستمزدها باعث کاهش بیش تر تقاضای کل و در نتیجه تشدید بیکاری می‌شود. از این رو دولت باید با سیاست توزیع مجدد درآمد جلو پایین آمدن تقاضای مصرفی خانوارها را در زمان رکود بگیرد. از طرف دیگر پایین بودن سرمایه گذاری به عنوان بخشی از تقاضای کل منشا اصلی بیکار است. در این شرایط نیز دولت باید با اتخاذ تدبیری نظیر پایین آوردن نرخ بهره، انگیزه سرمایه گذاری بنگاه‌ها را افزایش دهد، سوم این که، دولت می‌تواند در زمان رکود، هزینه‌های خود را افزایش دهد تا از پایین آمدن تقاضای کل و در نتیجه کاهش سطح تولید جلوگیری نماید (افتخاری، ۱۳۸۳: ۶). به این ترتیب کینز با صراحت و قطعیت سیاست مداخله و ارشاد دولت را در امور اقتصادی توصیه می‌کند که وسیله عده اعمال نظارت بر سرمایه‌گذاری و هدف آن ثابت نگاه داشتن فعالیت اقتصادی در حد اشتغال کامل است.

دولت از طریق سیاست‌های کلان اقتصاد، جامعه را تنظیم می‌کند و بدون فرایند ورود به بازار با توجه به اهداف کلی اقتصاد مثل اشتغال کامل و کاهش دوران رکود، مدیریت اقتصادی انجام می‌دهد. دولت کینزی کمبودهای نظام سرمایه داری را بر طرف می‌ساخت و آن را در رسیدن به اهداف یاری می‌داد (فیتزپتریک ۱، ۱۳۸۱: ص ۱۶۲ - ۱۶۵).

^۱ Fitzpatrick

رفع فقر و ایجاد حداقل زندگی برای مردم به وسیله‌ی دولت، در پرتو نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تحقق می‌یابد. دولت، طیف گستره‌های از خدمات اجتماعی را برای همه‌ی افراد ارائه می‌دهد؛ از اشتغال کامل حمایت می‌کند و ضمن دفاع از اقتصاد بازار، برخی از صنایع کلیدی، ملی شده یا تحت نظارت کامل دولت قرار می‌گیرد. نیمه‌ی دوم قرن بیستم، زمان گسترش این نظریه و تحقق آن در اروپای شمالی بود. گرچه با موانعی به علت مباحث تعديل اقتصادی و جهانی سازی رو به رو شده است. تأمین حداقل‌های لازم برای معيشت شرافتمدانه مردم، علت اساسی حضور دولت رفاه در اقتصاد است؛ البته قلمرو حضور آن فراگیرتر از دولت نشوکلاسیکی و کمتر از دولت سوسیالیستی است و با دولت کینزی سازگاری دارد (دادگر، ۱۳۸۰: ص ۵۷ - ۶۲). هدف دولت رفاه، جامعه‌ی بی‌طبقه نیست؛ بلکه جامعه‌ای است که در آن شایستگی و تحرک اجتماعی اهمیت بیشتری از تقسیم بندهای درآمدی داشته باشد. دولت رفاه می‌کوشد پنج نوع برابری ایجاد کند: برابری استفاده از هزینه‌های عمومی، برابری درآمد نهایی، برابری استفاده از خدمات اجتماعی، برابری هزینه برداری خدمات اجتماعی و برابری نتیجه، ... دولت رفاه در پی رفع فقر و محرومیت ناشی از بازار سرمایه داری است، نه در پی حذف شرایط سرمایه داری (فیتزپریک، ۱۳۸۱: ۷۴ - ۱۶۶).

این نظریه تاکید می‌کند که اگر بر درستی‌های گذشته صحه گذارده شود و روابط درستی بین دولت و اقتصاد، دولت و افراد، دولت و جوامع محلی و بین خود افراد برقرار شود، می‌توان نواقص گذشته را بطرف کرد.

پیشینه پژوهش

محمودی، از کیا، موسائی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان "مطالعه جامعه شناختی پیامدهای اقتصادی تعریفه گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران" انجام دادند. چگونگی تعریفه گذاری کالای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران پیامدهای اقتصادی گوناگونی به همراه داشته است. این مقاله تحقیقی کیفی با استفاده از روش نظریه بنیانی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته است که با روش نمونه‌گیری هدفمند به بررسی پیامدهای اقتصادی تعریفه- گذاری کالای وارداتی از دیدگاه کارشناسان گمرک ایران پرداخته است. در این روش با کدگذاری ۲۰ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان اشباع نظری حاصل گردید. براساس نتایج حاصل از تحقیق، استنباط نظری محقق بر این است که شرایط علی ناشی از زمینه‌های اقتصادی جامعه ایران مانند نوسانات تعرفه‌ای، تعدد متولیان تجارت و ... با مداخله‌گری عناصری چون زمان‌مند نبودن حمایت- های دولتی و بی‌توجهی به تجارب سایر کشورها و راهبردها و تعاملات اتخاذ شده مقطعي و

منفعتانه، بی توجه به معیارهای توسعه اقتصادی به پیامدهای همچون ضدیت با توسعه فساد، دورزدن قانون، افزایش قاچاق، عدم رقابت‌پذیری کالای ایرانی و ... منجر گردیده است. ابراهیمی، واعظ برزانی، دلالی اصفهانی و فخار (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان "مطالعه تجربی تاثیر توسعه کیفی نظام مالی بر رشد اقتصادی (مورد ایران)" انجام دادند. از لحاظ نظری، انتظار می‌رود توسعه مالی، تخصیص منابع به بهره‌ورتین کاربردها را تسهیل کرده و باعث افزایش رشد اقتصادی شود. با این وجود، برخی الگوهای نظری و شواهد تجربی مخالف، حاکی از آن است که توسعه مالی، در موارد مختلف، دارای اثرات متفاوت و گاه متضاد بوده است. به ویژه، توسعه کیفی نظام مالی (نوآوری‌های مالی) علاوه بر افزایش کارایی خدمات مالی و به تبع آن کارایی کل نظام اقتصادی، به طور همزمان زمینه سوداگری مقرراتی نهادهای مالی را فراهم می‌کند. سوداگری مقرراتی، تلاش نهادهای مالی برای عدول از مقررات سیاستی یا نظارتی برای کسب سود بیشتر است، که باعث انحراف متغیرهای اساسی اقتصادی از مقادیر بهینه آنها می‌شود و می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد. در این مطالعه تجربی، تأثیر توسعه کیفی نظام مالی بر موجودی سرمایه سرانه در اقتصاد ایران، از مجرای بی‌اثر کردن محدودیتهای اعتبار بانکی تبیین خواهد شد. الگوی مورد استفاده مبتنی بر یک الگوی رشد اقتصادی پولی-مالی است که با افزودن تأثیر صادرات نفت به شکل ناپارامتریک، به صورت نیمه پارامتری تصویح و با استفاده از داده‌های اقتصادی ایران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۹ برآورد می‌گردد. بر اساس نتایج مطالعه، توسعه کیفی نظام مالی باعث کاهش سطح سرمایه سرانه خواهد شد. ضمن آنکه، بهینگی سطح نسبت سپرده‌های قانونی در نظام بانکداری ایران نیز قابل استنتاج خواهد بود.

مولدیان، ذوالفاری و عظیم زادگان (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه اقتصادی" انجام دادند. در این مقاله توسعه اجتماعی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجایی که فرهنگ یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در توسعه هر کشوری می‌باشد، لازم است بدانیم تا چند دهه قبل عقیده اکثر صاحب‌نظران این بود که توسعه مفهومی اقتصادی دارد؛ به عبارت دیگر، توسعه فقط جنبه اقتصادی داشت و کشورها در جهت دستیابی به توسعه، به تقویت اقتصاد خویش می‌پرداختند. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان خراسان شمالی به تعداد ۱۰۰ نفر تشکیل داده‌اند. که به شیوه روش نمونه‌گیری شمارش کامل افراد جامعه مورد مطالعه انتخاب شدند. جهت سنجش عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر در توسعه اقتصادی از پرسشنامه تنظیم شده ۱۴ سوالی محقق ساخته استفاده شده است که روابی و پایابی هر سه پرسشنامه‌ها مورد تایید قرار گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آزمون‌های (تی یک طرفه و فریدمن)

استفاده شده است. نتایج نشان داد عوامل اجتماعی و فرهنگی هر یک در توسعه اقتصادی تاثیر گذار می‌باشند که در این بین نقش عامل فرهنگی در توسعه اقتصادی به مراتب بیشتر از عامل اجتماعی است.

شریفی رانی، شعاعی، میرفتح و توکلی نیا (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیرات آزادسازی اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران: با تأکید بر آزادسازی تجاری" انجام دادند. پدیده‌ی جهانی‌شدن که فرآیند درهم‌آمیختن و ادغام اقتصادهای ملی با اقتصاد جهانی است، در دهه‌های اخیر مورد بحث اکثر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. آزادسازی تجاری نیز که به عنوان حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش در تعرفه‌ها و سایر موافع تجاری تعریف شده، مهم‌ترین نیروی پیش‌برنده‌ی جهانی‌شدن محسوب می‌شود. آزادسازی و جهانی‌شدن موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالاها و خدمات) افزایش بازارگانی بین‌المللی)، افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بین‌المللی و همچنین تسريع انتقال فناوری و جهانی‌شدن تولید می‌شود. از این رو این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. این مقاله به بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آزادسازی تجاری بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری (VEC) و طی دوره‌ی زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۷ و ۱۳۷۴-۱۳۸۷ می‌پردازد. نتایج تخمین حاکی از آن است که برقراری سیاست آزادسازی در بلندمدت و در قالب الگوی محاسبه‌شده توسط محقق، منجر به افزایش حجم تولید و بهره‌وری و نیز کاهش تورم می‌شود ولی بر تراز تجاری تأثیری ندارد. همچنین اثر منفی آزادسازی بر حجم پول در کشور نیز معنادار نمی‌باشد.

راغر (۱۳۹۲)، به نقش "هدفمندی یارانه‌ها بر بنگاه‌های تولیدی و صنعتی و به وجود آمدن رکودتومی" اشاره کرده است. هدفمندی یارانه‌ها با افزایش قیمت سوخت، آثار سوئی بر بنگاه‌های تولیدی و صنعتی بر جای خواهد گذاشت و با افزایش هزینه‌های تولید، بنگاه‌ها را در شرایطی قرار خواهد داد که دست به تعديل نیروی کار بزنند و بیکاری افزایش یابد. از طرفی به دلیل پایین بودن بهره‌وری نیروی کار، میزان تولید هم کاهش خواهد یافت اما از آن جا که تغییر در الگوهای مصرف مردم به سرعت انجام نمی‌شود، تورم جامعه را فرا خواهد گرفت. همچنین افزایش نرخ ارز در چنین شرایطی، هم قیمت مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی را افزایش خواهد داد، هم کالاهای مصرفی وارداتی و تولید داخل گران‌تر خواهند شد و این قضیه به تورم بیشتر و کاهش تولید خواهد انجامید.

وصالی و بساطیان (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی جایگاه دولت فعال در ایران (در باب تطبیق تابع رفاه دولتی با تابع رفاه اجتماعی در ایران)" انجام دادند. موضوع بهبود و رفاه مانند

بسیاری از پدیده‌ها به لحاظ ارتباط آن با انسان چند بعدی و نیز ارتباط آن با یک مجموعه کلی، نیازمند شناخت قابل قبولی از موضوعات گوناگون مرتبط است. این تحقیق با کاربرد مفاهیم میان رشته‌ای و با بهره‌گیری از روش پیمایشی، موضوع «رفاه اجتماعی» را مورد بحث قرار داده است. بدین منظور در ابتدا به ارائه مهمترین دیدگاه‌های سیاست اجتماعی و راهکارهای ارائه شده از سوی این دیدگاه‌ها درباره برقراری رفاه اجتماعی پرداخته و با برجسته ساختن «دیدگاه دولت فعال» به تشریح چگونگی برقراری رفاه اجتماعی با استناد به این دیدگاه پرداخته شده است. در ادامه، این پژوهش نشان می‌دهد از آنجایی که برقراری رفاه اجتماعی مستلزم تطبیق تابع رفاه دولت (برنامه-های رفاهی دولت) و تابع رفاه اجتماعی (نیازهای رفاهی مردم) است و حاصل تحلیل پیمایشی (نیاز سنگی) در بین شهروندان تهرانی نشان داد که ۶۰ درصد پاسخ‌گویان اشتغال را مهمترین نیاز حال حاضر شرایط ایران دانسته‌اند، و با توجه به نرخ بالای بیکاری در سال‌های اخیر، ایجاد اشتغال توسط دولت به نوعی می‌تواند توفیقی در برقراری رفاه اجتماعی از طریق تطبیق توابع یاد شده باشد.

رنانی (۱۳۸۲)، در یک مقاله تحلیلی، با عنوان "نقش بازار کار در شکست سیاست‌های تعديل اقتصادی در ایران"، علت اصلی شکست سیاست‌های تعديل و عدم دستیابی نتایج مطلوب اجرای سیاست‌های تعديل در بسیاری از کشورها مانند ایران را بی‌توجهی به ساختار ویژه بازار اقتصادی آن‌ها معرفی کرده است. او به نقش بازار کار در تعیین موفقیت سیاست‌ها و هم در تعديل فشاری که بر فقرا پس از اجرای این سیاست‌های وارد می‌شود، تاکید کرده است. سپس ضمن اشاره به سهم بالای هزینه مبادله و بخش غیررسمی در بازار کار ایران، مشکلات ساختاری در این بازار را عاملی برای عدم موفقیت سیاست‌های پولی و مالی و ارزی، برای دستیابی به تعديل بلندمدت معرفی کرده است.

برتهولد و گروندلر (۲۰۱۳)، "عوامل تاثیرگذار بر رکودتورمی" را بررسی کرده‌اند. برای تعیین میزان قدرت رکودتورمی هم تعداد دفعات وقوع رکودتورمی و شدت و پایداری آن بین کشورهای مدنظر، بررسی کرده‌اند. برآوردها هم حاکی از آن بوده که متغیرهای مورد بررسی بیش از ۴۰ تا ۵۰ درصد قادر به توضیح رکودتورمی بوده‌اند. در نهایت مهمترین عوامل تاثیرگذار بر رکودتورمی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، افزایش قیمت نفت و افزایش نرخ بهره عنوان شده است و ضریب اهمیت این متغیرها بین کشورهای مختلف هم متفاوت از یکدیگر بوده‌اند. همچنین این نتیجه به دست آمده که اگر رکودتورمی به دلیل شوک‌های خارجی باشد، تغییر سیاست‌گذاری، رکود اقتصادی را تشديد خواهد کرد. وقتی رکودتورمی توسط یک شوک عرضه بیرونی به وجود می‌آید، هر گونه تلاش برای کاهش تورم، رکود اقتصادی را شدیدتر خواهد کرد. علاوه آن‌که رکودتورمی که در دهه ۲۰۰۰ میلادی اتفاق افتاده است، روندهای منفی که دهه ۱۹۷۰ به وجود آمده بودند را ندارد.

آرکاند، برکیز و پانیزا^۱ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان "تامین مالی بیش از حد" در چارچوب یک مطالعه تجربی بر اساس سه روش مطالعه داده‌های مقطعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، استفاده از تکنیک GMM در برآوردهای داده‌های تابلویی و همچنین استفاده از تخمین نیمه پارامتری داده‌های ۴۲ کشور برای دوره زمانی ۱۹۶۰-۲۰۱۰ به مطالعه چگونگی تغییر در تاثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی می‌پردازند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، اگر حجم اعتبار اختصاص یافته به بخش خصوصی معادل ۱۰۰-۸۰٪ تولید ناخالص ملی شود، اثر تحریبی توسعه مالی هویدا شده و از آن پس رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی منفی خواهد شد. همچنین، اثر تحریبی تنها به سطح توسعه مالی بستگی داشته و متأثر از مواردی چون نوسان تولید، بحران‌های بانکی، کیفیت نهادی پایین یا تفاوت در مقررات و نظارت بانکی نیست.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی می‌باشد. همچنین پژوهش حاضر براساس نحوه گردآوری داده‌ها پژوهشی توصیفی قلمداد می‌شود. و در نهایت پژوهش حاضر در محیط و بافت طبیعی بدون دستکاری آزمایشی و انتخاب نمونه تصادفی از جامعه‌ی پژوهش انجام شده و پژوهشگر پس از تدوین فرضیه‌های خود و عملیاتی کردن متغیرهای برآمده از فرضیه‌ها، ابزار خود را که یک پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته است، مدون نموده و آن را روی اعضای نمونه اجرا نموده است. لازم به توضیح است که این پژوهش نیز منطبق با اصول پژوهش توصیفی و از نظر هدف با یک هدف اکتشافی شروع شده و پژوهشگر با بررسی ادبیات پژوهش بویژه مبانی نظری فرضیه‌های خود را مدون کرد و آنگاه متناسب با یک هدف قیاسی (فرضیه پیرو و فرضیه آزمایش) به آزمون فرضیه‌ها پرداخت. و برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان بالای ۲۰ سال استان مازندران هستند که با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۵، ۲۶۴۲۹۱۱ نفر هستند که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر انتخاب و بر اساس نمونه گیری تصادفی خوش‌های به پرسشنامه پژوهشگر ساخته پاسخ دادند.

$$n = \frac{\frac{0/95}{0/0025}}{1 + \frac{1}{26422911}(379)} \cong 384 \quad n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

^۱ Arcand, J. L., Berkes, E. & Panizza, U.

ابزار استفاده شده در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته است که متشکل ۱۶ گویه است. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا مشخص شده است که میانگین کل CVR ابزار برابر با ۰,۸۵۶ به دست آمد.

پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است که برابر با ۰,۸۶۸ به دست آمد. با توجه به اینکه شرایط آزمون پارامتری - توزیع نورمال که از طریق نمونه گیری تصادفی، برابری واریانس‌ها و نیز پیوسته بودن مقیاس -مهیا بود، برای تحلیل عاملی متغیرهای پژوهش از آزمون کیرز- میر - اوکلین و بارتلت و آزمون فریدمن استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره‌ی ۱. گویه‌های مورد بررسی

گرانی مجدد خودرو در طی سالیان بعد از اجرای طرح
ایجاد گرانی‌هایی در سایر اقلام مورد نیاز جامعه
کوتاه کردن دست دلالان خودرو
بالا رفتن کیفیت خودروهای داخلی
کنترل قیمت خودرو در همان زمان اجرای طرح
افزایش بدھی‌های بانکی افراد
شکستن کمپین نخریدن خودرو که قبل از اجرای طرح شکل گرفته بود
بروز رفتار هیجانی در برخی از افراد در خرید خودرو
بی اعتمادی جامعه نسبت به دولت
بی اعتمادی به همبستگی ملی در بین جامعه
ایجاد دو دستگی و نفاق در جامعه
افزایش شکاف دولت و ملت
افزایش سفرهای خانوادگی
گسترش رفاه شهروندان
ترویج فرهنگ مصرف گرایی
خودرو دار شدن قشر کم درآمد
به نظر شما هر یک از گروههای زیر از طرح فوق ضرر دیده‌اند یا منفعت برده‌اند.
دولت
خودرو سازها
دللان
مردم
وام گیرندگان و مصرف کنندگان اصلی
بانک‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۲. نتایج آزمون کیرز- میر - اوکلین و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.618
Bartlett's Test of Sphericity		448.751
Approx. Chi-Square		df
		15
Sig.		.000

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتیجه آزمون KMO که مقدار آن برابر با ۰,۶۱۸ است، داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل‌های زیربنایی و بنیادی می‌باشند.

همچنین، نتیجه‌ی آزمون بارتلت ۴۴۸,۷۵۱ که در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ معنی دار است، نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نمی‌باشد. یعنی، از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالای وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر، هیچگونه همبستگی مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره‌ی ۳. کل واریانس تبیین شده

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	2.287	38.110	38.110	2.287	38.110	38.110	1.934	32.226	32.226
2	1.381	23.021	61.132	1.381	23.021	61.132	1.734	28.906	61.132
3	.815	13.591	74.723						
4	.607	10.118	84.841						
5	.557	9.278	94.118						
6	.353	5.882	100.000						
Extraction Method: Principal Component Analysis.									

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول شماره‌ی ۳ نتایج زیر به دست آمد:

- بر اساس معیار کیرز، تنها ۲ عاملی که دارای مقدار ویژه بالاتر از یک هستند انتخاب شدند. بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که از ۶ گویه‌ی مربوط به شرایط اقتصادی که قابل تقلیل به ۲ عامل بوده است و می‌توانیم از ترکیب این ۶ گویه، ساختار جدیدی بر اساس عامل‌ها با ترکیب جدید طراحی و بر اساس آن به تحلیل داده‌ها بپردازیم. این نتایج نشان می‌دهد که این گویه‌ها ۲ شاخص را مورد سنجش قرار می‌دهند.

-۲ سهم هر عامل در تبیین واریانس ۶ گویه مربوط به شرایط اقتصادی جامعه متفاوت و به صورت نزولی است. یعنی عامل اول بیشترین سهم (۳۷,۱۱۰) درصد با مقدار ویژه (۲,۲۸۷) و عامل دوم کمترین سهم (۲۳,۰۲۱) درصد با مقدار ویژه (۱,۳۸۱) را در تبیین واریانس ۶ گویه داشته‌اند. به عبارتی عامل اول توانسته ۳۷,۱۱۰ درصد از واریانس ۶ گویه را تبیین کند. این مقدار برای عامل دوم برابر با ۲۳,۰۲۱ درصد می‌باشد.

در مجموع، هر ۲ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک توانسته‌اند ۶۱,۱۳۲ درصد از واریانس ۶ گویه مربوط به مقیاس مربوط به شرایط اقتصادی جامعه را تبیین کنند.

جدول شماره‌ی ۴. همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش

	Component	
	1	2
گرانی مجدد خودرو در طی سالیان بعد از اجرای طرح	-.047	.825
ایجاد گرانی‌هایی در سایر اقلام مورد نیاز جامعه	.088	.821
کوتاه کردن دست دلالان خودرو	.707	.268
بالا رفتن کیفیت خودروهای داخلی	.852	.003
کنترل قیمت خودرو در همان زمان اجرای طرح	.758	.030
افزایش بدھی‌های بانکی افراد	.351	.554

Extraction Method: Principal Component Analysis.
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.
a. Rotation converged in 3 iterations.

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول فوق، ماتریس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌های استخراج شده با مقادیر ویژه بالاتر از یک را بعد از چرخش نشان می‌دهد. مقدار همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌ها بین -۱ و +۱ نوسان دارد. بر اساس این جدول، بر اساس بزرگترین با عاملی تک تک گویه‌ها، به دسته بندی آنها با توجه به میزان همبستگی با یکدیگر پرداخته می‌شود.

بر اساس نتایج این جدول:

- ۱) گویه‌های کوتاه کردن دست دلالان خودرو، بالا رفتن کیفیت خوروهای داخلی و کنترل قیمت خودرو در همان زمان اجرای طرح در عامل اول قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان عامل اول را به عنوان شاخص تغییرات اقتصادی مقطعی معرفی کرد.

(۲) گویه‌های گرانی مجدد خودرو در طی سالیان بعد از اجرای طرح، ایجاد گرانی‌هایی در سایر اقلام مورد نیاز جامعه، افزایش بدھی‌های بانکی افراد در عامل دوم قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان عامل دوم را به عنوان شاخص آسیب‌های اقتصادی طرح معرفی کرد.

جدول شماره‌ی ۵. برونداد نتایج آزمون فریدمن

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum	Percentiles		
						25th	50th (Median)	75th
تغییرات اقتصادی مقطعی	384	9.64	3.890	3	18	7.00	9.00	13.00
آسیب‌های اقتصادی طرح	384	11.00	3.527	3	18	8.00	11.00	14.00

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۶. جدول رتبه بندی

	Mean Rank
تغییرات اقتصادی مقطعی	1.42
آسیب‌های اقتصادی طرح	1.58

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۷. نتایج آزمون فریدمن

N	384
Chi-Square	10.646
df	1
Asymp. Sig.	.001
a. Friedman Test	

منبع: یافته‌های تحقیق

همانگونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده به میزان ۱۰,۶۴۶ با درجه آزادی ۱ در سطح ۰,۰۱ معنی دار می‌باشد و بنابراین مشخص می‌گردد که بین تغییرات اقتصادی

مقطعي و آسيب‌های اقتصادي طرح تفاوت وجود دارد. بنابر نتایج مشاهده شده در جدول شماره‌ی ۶ آسيب‌های اقتصادي اجرای طرح بيشتر از تغييرات اقتصادي مقطعي بوده است.

جدول شماره‌ی ۸. نتایج آزمون کيرز-مير - اوکلين و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	.765
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square
	df
	Sig.

منبع: يافته‌های تحقیق

بر اساس نتیجه آزمون KMO که مقدار آن برابر با ۰,۷۶۵ است، داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل‌های زیربنایی و بنیادی می‌باشند.

همچنان، نتیجه‌ی آزمون بارتلت ۷۴۹,۷۰۲ که در سطح خطای کوچکتر از ۱,۰ معنی دار است، نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نمی‌باشد. یعنی، از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر، هیچگونه همبستگی مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره‌ی ۹. کل واریانس تبیین شده

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	3.006	30.056	30.056	3.006	30.056	30.056	2.142	21.420	21.420
2	1.653	16.527	46.583	1.653	16.527	46.583	2.095	20.952	42.372
3	1.125	11.253	57.837	1.125	11.253	57.837	1.546	15.465	57.837
4	.860	8.600	66.437						
5	.683	6.829	73.266						
6	.636	6.362	79.628						
7	.571	5.708	85.336						
8	.537	5.372	90.708						
9	.472	4.721	95.430						
10	.457	4.570	100.000						

Extraction Method: Principal Component Analysis.

منبع: يافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول شماره‌ی ۹ نتایج زیر به دست آمد:

- ۱ بر اساس معیار کیزز، تنها ۳ عاملی که دارای مقدار ویژه بالاتر از یک هستند انتخاب شدند. بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که از ۱۰ گویه‌ی مربوط به شرایط اجتماعی که قابل تقلیل به ۳ عامل بوده است و می‌توانیم از ترکیب این ۱۰ گویه، ساختار جدیدی بر اساس عامل‌ها با ترکیب جدید طراحی و بر اساس آن به تحلیل داده‌ها بپردازیم. این نتایج نشان می‌دهد که این گویه‌ها ۳ شاخص را مورد سنجش قرار می‌دهند.
- ۲ سهم هر عامل در تبیین واریانس ۱۰ گویه مربوط به شرایط اجتماعی جامعه متفاوت و به صورت نزولی است. یعنی عامل اول بیشترین سهم (۳۰,۰۵۶ درصد با مقدار ویژه ۰۰۶.۳) و عامل سوم کمترین سهم (۱۱,۲۵۳ درصد با مقدار ویژه ۱,۱۲۵) را در تبیین واریانس ۱۰ گویه داشته‌اند. به عبارتی عامل اول توانسته ۳۰,۰۵۶ درصد از واریانس ۱۰ گویه را تبیین کند. این مقدار برای عامل دوم برابر با ۱۶,۵۲۷ درصد و برای عامل سوم برابر با ۱۱,۲۵۳ درصد می‌باشد.

در مجموع، هر ۳ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک توانسته‌اند ۵۷,۸۳۷ درصد از واریانس ۱۰ گویه مربوط به مقیاس مربوط به شرایط اجتماعی جامعه را تبیین کنند.

جدول شماره‌ی ۱۰. همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش

	Component		
	1	2	3
شکستن کمپنی خریدن خودرو که قبل از اجرای طرح شکل گرفته بود	-.002	.109	.774
بروز رفتار هیجانی در برخی از افراد در خرید خودرو	.042	.280	.768
بی اعتمادی جامعه نسبت به دولت	.078	.668	.216
بی اعتمادی به همبستگی ملی در بین جامعه	.058	.771	.182
ایجاد دو دستگی و نفاق در جامعه	.244	.606	.240
افزایش شکاف دولت و ملت	.061	.725	-.085
افزایش سفرهای خانوادگی	.749	.135	.053
گسترش رفاه شهروندان	.752	.201	.047
ترویج فرهنگ مصرف گرانی	.693	.083	-.192
خودرو دار شدن قشر کم درآمد	.678	-.075	.414
Extraction Method: Principal Component Analysis.			
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.			
a. Rotation converged in 5 iterations.			

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول فوق، ماتریس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌های استخراج شده با مقادیر ویژه بالاتر از یک را بعد از چرخش نشان می‌دهد. مقدار همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌ها بین -1 و $+1$ نوسان دارد. بر اساس این جدول، بر اساس بزرگترین با عاملی تک تک گویه‌ها، به دسته بندی آنها با توجه به میزان همبستگی با یکدیگر پرداخته می‌شود.

بر اساس نتایج این جدول:

- (۱) گویه‌های افزایش سفرهای خانوادگی، گسترش رفاه شهروندان، ترویج فرهنگ مصرف گرایی، خودرو دار شدن قشر کم درآمد در عامل اول قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان عامل اول را به عنوان شاخص رفاه اجتماعی معرفی کرد.
- (۲) گویه‌های بی اعتمادی جامعه نسبت به دولت، بی اعتمادی به همبستگی ملی در بین جامعه، ایجاد دو دستگی و نفاق در جامعه، افزایش شکاف دولت و ملت در عامل دوم قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان عامل دوم را به عنوان شاخص بی اعتمادی و نفاق معرفی کرد.
- (۳) گویه‌های شکستن کمپین نخریدن خودرو که قبل از اجرای طرح شکل گرفته بود، بروز رفتار هیجانی در برخی از افراد در خرید خودرو در عامل سوم قرار گرفته‌اند. بنابراین، عامل سوم را می‌توان به عنوان شاخص رفتار هیجانی معرفی کرد.

جدول شماره‌ی ۱۱. برondاد نتایج آزمون فریدمن

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum	Percentiles		
						25th	50th (Median)	75th
رفاه اجتماعی	384	5.77	1.760	2	8	4.00	6.00	7.00
بی اعتمادی و نفاق	384	11.51	2.901	4	16	10.00	12.00	13.00
رفتار هیجانی	384	10.08	2.853	4	16	8.00	10.00	12.00

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱۲. جدول رتبه بندی

	Mean Rank
رفاه اجتماعی	1.12
بی اعتمادی و نفاق	2.59
رفتار هیجانی	2.29

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱۳. نتایج آزمون فریدمن

N	384
Chi-Square	501.955
df	2
Asymp. Sig.	.000
a. Friedman Test	

منبع: یافته‌های تحقیق

همانگونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده به میزان ۵۰۱,۹۵۵ با درجه آزادی ۲ در سطح ۰,۰۱ معنی دار می‌باشد و بنابراین مشخص می‌گردد که بین رفاه اجتماعی، بی‌اعتمادی و نفاق و رفتار هیجانی تفاوت وجود دارد. بنابر نتایج مشاهده شده در جدول شماره‌ی ۱۲ بی‌اعتمادی و نفاق بیشتری امتیاز را دارد و طرح بیشتر منجر به بی‌اعتمادی و نفاق شده است و رفاه اجتماعی که اجرای طرح بیشتر به آن اهمیت می‌داده است کمترین امتیاز را دارد که نشان می‌دهد طرح نتوانسته است رفاه اجتماعی را به همراه داشته باشد.

جدول شماره‌ی ۱۴. برونداد نتایج آزمون فریدمن

	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum	Percentiles		
						25th	50th (Median)	75th
دولت	384	3.10	1.128	1	5	2.00	3.00	4.00
خودروساز	384	3.18	1.117	1	5	2.00	4.00	4.00
دللان	384	3.39	1.099	1	5	2.25	4.00	4.00
مردم	384	2.86	1.448	1	5	2.00	3.00	4.00
وام گیرندگان	384	3.15	1.161	1	5	2.00	3.00	4.00
بانک	384	3.23	1.093	1	5	2.00	4.00	4.00

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱۵: جدول رتبه بندی

	Mean Rank
دولت	3.95
خودروساز	4.45
دللان	3.95
مردم	2.95
وام گیرندگان	2.60
بانک	3.10

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱۶. نتایج آزمون فریدمن

N	60
Chi-Square	84.130
df	5
Asymp. Sig.	.000
a. Friedman Test	

منبع: یافته‌های تحقیق

همانگونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده به میزان ۸۴,۱۳۰ با درجه آزادی ۵ در سطح ۰,۰۵ معنی دار می‌باشد و بنابراین مشخص می‌گردد که بین گروه‌های مختلف از نظر منفعت و تضرر تفاوت وجود دارد. بنابر نتایج مشاهده شده در جدول شماره‌ی ۹ خودروسازها بیشترین منفعت و مردم و وام گیرندگان کمترین منفعت را برده‌اند و یاحتی می‌توان گفت متضرر شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

بنابر نتایج به دست آمده مشخص گردید که:

تأثیر اجرای طرح وام ۲۵۰ میلیون ریالی بر شرایط اقتصادی جامعه بیشتر منفی است تا مثبت. شرایط منفی اقتصادی شامل ایجاد بحران اقتصادی، ایجاد تورم، افزایش بدھی‌های بانکی و وابستگی صنایع به دولت اشاره کرد. در واقع طرح فوق مقطعی بود و زمان اجرا به دلیل عدم آینده‌نگری که می‌توانست به مرور زمان از شرایط منفی اقتصادی بکاهد بیشتر به بحران اقتصادی در کشور دامن زد. از این رو، می‌توان گفت که اجرای چنین طرحی بدون برنامه و تنها از روی شتابزدگی بوده است و جامعه و مردم را متضرر کرده است. تاثیرگذاری منفی بر شرایط اقتصادی حتی بر شرایط اجتماعی جامعه نیز بیشتر منفی بوده است تا مثبت. بنابر نتایج رفتار جامعه در زمان اجرا رفتاری هیجانی بوده است. قبل از اجرای طرح کمپینی توسط برخی از افراد جامعه تشکیل گردید که منجر به رکود فروش خودرو صفر داخلی در کشور شده بود که در زمان اجرای طرح کمپینی از طرف برخی افراد که دلالان و وام گیرندگان شکسته شد. در زمان اجرای طرح سعی بر این شد با تشویق مردم به شرکت در کمپین اتحاد جمعی‌ای به وجود آید اما در همان زمان نیز از طرف برخی دیگر کمپین شکسته شد که همان عدم همبستگی جامعه و بروز دوستگی و نفاق بین افراد شد. تنها می‌توان گفت رفاه حداقلی برای برخی از شهروندان که مالکیت خودرو به دست آورده اشاره کرد.

بنابراین، می‌توان گفت اجرای طرح فوق، مناسب شرایط جامعه نبوده است و شرایط اجتماعی جامعه را تحت تاثیر خود قرار داده و باعث مسائل و مشکلات اجتماعی زیادی برای جامعه گردیده است. ذینفعان اصلی طرح وام خرید خودرو، خودروسازان در رتبه‌ی اول، و دلالان و دولت در رتبه‌ی دوم، بانک‌ها در جایگاه سوم و مردم و وام گیرندگان اصلی در جایگاه‌های آخر قرار گرفته‌اند. در واقع، می‌توان گفت که اکثریت جامعه و مصرف کنندگان واقعی از متضرران طرح وام خرید خودرو بوده‌اند. در کل می‌توان گفت که در طرح اجرا شده بیشتر سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران سود برده‌اند و جامعه و مصرف کنندگان واقعی حتی آنها که وام دریافت کردند نیز متضرر گشته‌اند.

طبق نظریه آزادی اقتصادی کلاسیک‌ها دخالت عالم‌المحظوظ تخصیص نا مطلوب منابع می‌شود و گذشته از آن عملکردهای دولت اغلب با نوعی رهبری غیر کارآمد همراه بوده و بسیاری از سیاست‌های پولی و مالی که اتخاذ می‌کند موجب می‌شوند که بر انگیزه‌های اقتصادی لطمہ وارد شده و کارایی سیستم کاهش یابد. معتقدان این دیدگاه فعالیت‌های بخش خصوصی را برعی از موارد ضعف یاد شده می‌پندارند و معتقدند که دولت باید در بازارهای مالی، کالاهای قابل مبادله و بازار کار دخالت خود را کم کند. زیرا تنظیم نرخ‌های بهره و کنترل ورود به بازارهای مالی از عملکرد کارمند بازارهای مذکور جلوگیری می‌کند و این مقررات مانع از جریان آزاد سرمایه در اقتصاد می‌شوند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴). بنابراین، دخالت دولت در اقتصاد، مخصوصاً صنایع امری است که موجب تزلزل بازار و اقتصاد می‌شود.

بانک جهانی (۱۹۹۷، ۸۰-۸۱) بیان می‌کند که با توجه به تجارب قرون و اعصار گذشته این نتیجه حاصل می‌شود که دولتها می‌توانند فرایند توسعه را از طریق راههای متعدد بهبود بخشنند. ضمن این که همین تجارب تاریخی نشان می‌دهند که دخالت دولت می‌تواند منشاً بسیاری از آسیب‌ها نیز باشد. (افتخاری، ۱۳۸۳، ۱۹-۲۰). پس، دخالت دولت در اقتصاد و صنعت به گونه‌ای به جامعه و اقتصاد لطمہ زده و باعث فروپاشی اقتصادی می‌گردد. همانگونه که در این پژوهش مشخص گردید طرح اجرایی دولت نتوانست رکود اقتصادی را از بین ببرد و حتی منجر به بروز مجدد بحران‌های اقتصادی دیگر نظیر ایجاد تورم و بدھی‌های بانکی گردیده است. علاوه بر شرایط منفی اقتصادی طرح فوق شرایط منفی اجتماعی نیز در برداشت که آن از بحران اقتصادی وخیم‌تر است و جبران آن یعنی بازگرداندن اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی سخت است.

بنابر نتایج این پژوهش می‌توان گفت که طرح اجرای وام ۲۵۰ میلیون ریالی در سال ۱۳۹۴ طرح خوبی نبوده است و علاوه بر این امر که نتوانسته مشکلات اقتصادی در زمان اجرای طرح را رفع نماید بلکه بر شرایط اقتصادی بد جامعه دامن زده و موجب تورم اینجاد حباب در صنعت خودرو داخلی شده است که همین امر باعث مشکلات اقتصادی در سطح جامعه شده است و تورم

رونده صعودی داشته است. در واقع، طرح فوق بعد از اجرا با بالا بردن مجدد قیمت خودرو باعث گرانی و تورم سایر محصولات مصرفی جامعه شده است. مشکلات اقتصادی علاوه بر فشار اقتصادی، فشارهای اجتماعی نیز بر بدنی جامعه وارد می‌کند. البته اجرای طرح فوق بر شرایط اجتماعی جامعه در زمان اجرای طرح و بعد از آن نیز تاثیرگذار بوده است. شاید برای تعداد اندکی توانسته باشد رفاه حداقلی ایجاد کند اما همان گروه نیز با مشکلات اقتصادی بازپرداخت وام و گران شدن اجناس مصرفی شان روبرو شده‌اند. رفتار هیجانی خریداران نیز که نتیجه‌ی اجرای طرح بود نشان داد جامعه از ثبات برخوردار نیست و ممکن است در موارد مشابه حتی کوچکتر نیز رفتار هیجانی و شتابزده‌ای داشته باشند که برای جامعه به منزله سهم است. علاوه بر این، عدم عمبستگی و نفاق در جامعه از عوارض اجرای طرح بود. شکست کمپین نخریدن خودرو در زمان اجرای طرح، متهم کردن همدیگر و بی‌اعتمادی از نتایج طرح فوق بوده است که بیشتر جامعه را رو به افول برده است. در این طرح می‌توان گفت بیشترین سود به خودروسازها و دلالان رسیده است و دولت حتی با توجه به نتایج طرح جزو متضرران بوده است زیرا اجرای طرح با بر هم خوردن وضعیت آحاد جامعه روبرو بوده است.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا برای اجرای طرح‌های مشابه در سطح جامعه ابتدا دولت با استفاده از نظر کارشناسان و خبره‌گان و اساتید دانشگاهی تاثیرات منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روانشناسی اجرای چنین طرح‌هایی را به حداقل رساند و برای آن آینده‌نگری داشته باشد.

منابع

۱. ابراهیمی، بهنام؛ واعظ بزرانی، محمد؛ دلالی اصفهانی، رحیم و فخار، مجید (۱۳۹۵). مطالعه تجربی تأثیر توسعه کیفی نظام مالی بر رشد اقتصادی (مورد ایران). *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های انسان و توسعه اقتصادی*، دوره ۶ شماره ۲۲.
۲. افتخاری، حمید (۱۳۸۳). مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد، مطالعات برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی.
۳. تسلیمی، حسین (۱۳۹۴). دولت، حاکمیت قانون و توسعه. ضمیمه اقتصادی روزنامه شرق.
۴. دادگر، یدالله (۱۳۸۰). مروری بر ادبیات نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، *فصلنامه فرهنگ و اندیشه*، سال اول، شماره دوم.
۵. راغفر، حسین (۱۳۹۲). هدفمند کردن یارانه‌ها و رکودتورمی، آوند، شماره ۳۸ و ۳۹.
۶. رنانی، محسن (۱۳۸۱). ماهیت و ساختار دولت در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. رنانی، محسن (۱۳۸۲). نقش بازار در شکست سیاست‌های تعديل اقتصادی در ایران، کار و جامعه، شماره ۵۱، ص ۱۳-۲۰.
۸. فیترپریک، تونی (۱۳۸۱). نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۹. مردوخی، بایزید (۱۳۸۸)، بودجه ریزی و نظام تدبیر در ایران، *مرکز تحقیقات استراتژیک* مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش شماره ۱۵-۱۸۸-۰۴-۱.
۱۰. محمودی، سید جلال، ازکیا، مصطفی، موسائی، میثم (۱۳۹۹). مطالعه جامعه شناختی پیامدهای اقتصادی تعریف گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران، *فصلنامه اقتصاد بانکداری اسلامی*، دوره ۹، شماره ۳۲.
۱۱. موسوی، میرطاهر، محمدی، محمدعلی (۱۳۸۸). مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: دانزه.
۱۲. مولودیان، هادی، ذوالفاری، هادی، عظیم زادگان، مینا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه اقتصادی، کنفرانس بین المللی مدیریت، فرهنگ و توسعه اقتصادی، مشهد

۱۳. شریفی رنانی، حسین، شعاعی، فروغ، میرفتاح، مریم، توکل نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات آزادسازی اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران: با تأکید بر آزادسازی تجاری. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)*, دوره ۴، شماره‌ی ۱۰.
۱۴. وصالی، سید سعید، بسطایان، سید محمد (۱۳۹۰). بررسی جایگاه دولت فعال در ایران «در باب تطبیق تابع رفاه دولتی با تابع رفاه اجتماعی در ایران»، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*, دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۶۹-۹۲.
15. Arcand, J. L., Berkes, E. & Panizza, U. (2011). “Too Much Finance? IMF Working Paper WP/12/161, Retrieved from:<http://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2012/wp12161.pdf>.
 16. Benos, Nikos (2009). Fiscal policy and economic growth: empirical evidence from EU countries, MPRRA Paper 19174, University Library of Munich, Germany.
 17. Chavez, S. (2019). United Farm Workers of America. <https://ufw.org/>
 18. Berthold, Nobert, Grundler, Klaus (2013). The Determinates of Stagflation in a Panel Countries. *Wirtschaftswissenschaftliche Beiträge* No 117, p 1-.